[ 209 ] وشر فاسقان جن وانس را از من دفع كن. آنگاه آن حضرت در حاليكه چهره اش بسوى آسمان بود واز چشمانشان همانند دو مشك آب مى ريخت، به صداى بلند گفت: أي شنواترين شنوندگان، أي بيناترين بينندگان، واى سريعترين حسابرسان، واى مهر بانترين مهربانان، بر محمد وخاندانش آقايان باميمنت درود فرست، وخدايا از تو مى خواهم حاجتى را كه اگر عطا كنى آنچه منع نمائي به من زيان نمى رساند، واگر محرومم دارى آنچه بدهى به من سودى نمى رساند، از تو مى خواهم كه مرا از آتش آزاد سازى، معبودي جز تو نيست، يگانه أي وشريكي نددارى، فرمانروائى از آن توست و ستايش تو را سزاست، وتو بر هر كار قادرى، أي پروردگار أي پروردگار. روايت شده كه آن حضرت بعد از اين دعا مكررا مى فرمود: أي پروردگار أي پروردگار، وكساني كه در گرداگرد ايشان بوده وشاهد خواندن ايشان بودند، از دعاكردن به خودشان باز مانده ودعاي ايشان را گوش كرده وآمين مى گفتند، وبه همين اكتفا كرده بودند، آنگاه صداهايشان به گريستتن با ايشان بلند شد وخورشيد غروب كرد، ومردم به همراه آن حضرت از منى كوچ كردند. _____